

## نادرشاه افشار

در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در قریه **دره گز کلات** شمال خراسان متولد شد و در اندک مدتی بسبب لیاقت و شجاعت بر تمام ایران دسترسی یافت و ایران را از دست شاهان بی لیاقت ایرانی و اجانب و اوباش خارجی و هرج و مرج نجات داد و نامی درخشان در تاریخ ایران و جهان به یادگار گذاشت. یک نفر **انگلیسی** که قبل از لشکرکشی نادر به هندوستان که غالباً در ایران می زیست و نویسنده بود و شاهد اعمال و رفتار نادر بود، ما اندکی از نوشته های او را ذکر می کنیم.

نادرشاه قریب ۱۸۰ سانتیمتر قد داشت و تناسب الخلقه، تنومند، قوی پنجه، رخساره او سرخ، مزاج او مایل به چاقی است ولی زحماتی که می کشد مانع از بروز چاقی است، چشم و ابروی درشت و سیاه و سیمائی برازنده که مانند آن کمتر دیده می شد. صدمه ای که از آفتاب صحرا و تصرف هوا بر رخساره او رسیده منظره مردانه زیبایی به او داده بود، صدای او بطوری بلند و قوی بود که به فاصله دور فرمان او را می شنیدند، شراب به حد اعتدال می نوشید، غذای او بسیار کم و ساده و اغلب **پلو** و غذای معمولی، به اندکی نخود برشته که همیشه در جیب داشت با یک جرعه آب قناعت می کرد و **بنیه** او بطوری قوی بود که اغلب دیده شده در هوای سرد صحرا روی زمین خوابیده و یک بالاپوش به خود می پیچید و زین اسب و اسلحه او که تبرزین بود زیر سر گذاشته است، بعد از غروب آفتاب با دوستان خود اندکی مزاح می کرد، حافظه قوی داشت، تمام صاحب منصبان را به اسم می خواند، نقشه جنگی را خودش طرح می کرد و در جنگ همیشه پیش قدم و به دشمن حمله می کرد، سرکشی سپاه و مواجب و لباس افراد را به شخصه عهده دار بود، همیشه **یکصد هزار** سپاه منظم آماده داشت، کشور ثروتمند هندوستان را فتح کرد و غنائم زیادی از جمله **کوه نور** - **دریای نور**، **تخت طاووس طلا**، **جواهرات فراوان آورد**، مالیات سه سال ایران را به مردم بخشید، بر اثر خوی عادت نظامی کسانی که مرتکب خطای بزرگ می شدند، فوراً به قتل می رسانید و آنهاییکه **گناهانشان** کمتر بود، به بریدن گوش، بینی، زبان مجازات می کرد، هیچ وقت مقصّر را از هر درجه و مرتبه ای که بود نمی بخشید و بعد از صدور فرمان، دربارین او کسی جرأت شفاعت بر نمی خاست ولی قبل از ثبوت جرم متهم، اشخاص دیگر می توانستند با اجازه او اظهار نظر کنند. حتی برای کور کردن فرزند رشید خود **رضا قلی میرزا**، شفاعت نزدیکان را قبول نکرد. پس از یکسال که از بی گناهی فرزند خود مطلع گردید، پشیمان شد و تنی چند از اطرافیان را که چرا در شفاعت پافشاری نکردند، بقتل رسانید.

نسبت به رعایا و دهقانان رأفت و حسن سلوک را استوار کرد، مذهب **شیعه** جعفری را حرمت داشت و حرم امام رضا(ع) را گسترش و گنبد حضرت را و حضرت علی را در کوفه طلاکاری نمود، برخلاف شاهان قبل، حرمسرا نداشت، فقط چهار زن عقدی داشت. دولتهای **روس** و **عثمانی** که از پیشرفت و جهانگشاهی نادر در هراس افتاده بودند به سرحدات دوران قدیم عقب نشینی کردند، دسیسه ای بکار بردند، اول به تحریک و نیرنگ پسر شجاع او را بدست خودش کور کردند و سپس او را در سال ۱۱۶۰ در سن ۶۰ سالگی و پس از ۲۱ سال سلطنت بوسیله تنی چند از سرداران معروف خود او در فتح آباد قوچان مشهد، شبانگاه در چادر او که با زن زیبای خود، ستاره، اهل گرجستان بود، خوابیده به

قتل رساندند. آرامگاه زیبای او در مشهد مقدس است (روحش شاد)، هنوز آفتاب روز قتل به غروب نرسیده بود که از آن همه جاه و جلال و شکوه و سپاه منظم نادری اثری بر جای نماند.

**به یک گردش چرخ نیلوفری \*\*\* نه نادر بجا ماند و نه نادری**